

مناسك حج (محشى)، محمدرضا محمودى، تهران، مشعر، ١٤٢٩ق؛ **منتهى المطلب فى تحقيق المذهب**: حسن بن يوسف حلی (٦٤٨-٧٢٦ق)، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ١٤١٤ق؛ **نهاية المحتاج الى سرح المنهاج: الشافعى الصغير** (م. ١٠٤ق)، بیروت، دار احیاء التراث، ١٤١٣ق؛ **وسائل الشيعة**، محمد بن حسن حرّ عاملی، قم، آل البيت، ١٤١٤ق؛ **یک دوره فقه کامل فارسی**: محمد تقی مجلسی، مقدمه سید شهاب الدین مرعشی نجفی، تهران، فرهانی، ١٤٠٠ق.

حمیدرضا خراسانی؛ رضا عنديلي



حج بردگان ← حج محجوران

حج بلدى: ادای حج به نیابت از دیگری از وطن یا هر مکانی جز موافقیت

بلد در لغت به معنای سرزمین و وطن است.^١ حج بلدى، در اصطلاح فقهاء، حجی است که حج گزار، به نیابت از شخص متوفی یا عاجز، از سرزمین محل سکونت یا استطاعت او، آن را آغاز کند؛ به گونه‌ای که سفر حج (مقدمه) و مناسک حج (ذی المقدمه) هر دو به نیابت از منوب عنه انجام شود.^٢ البته درباره مراد از

١. العین، ج. ٨، ص. ٤٢؛ مفردات، ص. ١٤٢؛ لسان العرب، ج. ٣، ص. ٩٤. «بلد».

٢. تحفة الفقهاء، ج. ١، ص. ٤٢٧؛ **منتهى المطلب**، ج. ٢، ص. ٩٧١. مستند العروة، ج. ١، ص. ٤٥. «كتاب الاجارة».

الاسلام؛ زین الدین بن علی، شهید ثانی (٩١١ق)، قم، انتشارات معارف اسلامی، ١٤١٦ق؛ **مستنسک العروة الوثقى**: سید محسن حکیم (م. ١٣٩٠ق)، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ١٤٠٤ق؛ **مستند الشيعة في احكام الشریعه**: احمد بن محمد مهدی التراقی (١٢٤٥-١١٨٥ق)، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ١٤١٥ق؛ **المصباح المنیر في غرب الشرح الكبير للرافعی**: احمد بن محمد المقری الفیومی (م. ٧٧٠ق)، دار الفکر؛ **مصباح الهدی في شرح العروة الوثقى**: محمد تقی آملی (١٣٩١ق)، تهران، انتشارات فردوسی، ١٣٨٠ق؛ **معتمد العروة الوثقى**: محاضرات الخوبی (١٤١٣-١٣١٧ق)، به کوشش رضا خلخالی، قم، انتشارات مدرسه دارالعلم، ١٤٠٤ق؛ **المعتمد في شرح المناسك**: (كتاب الحج: محاضرات الخوبی)؛ محمدرضا موسوی خلخالی، قم، مدرسه دارالعلم، ١٤١٠ق؛ **معجم مقابیس اللہ**: احمد بن فارس (م. ٣٩٥ق)، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه ١٤٠٤ق؛ **معنى المحتاج الى معرفة معانی الفاظ المنهاج**: محمد بن احمد الشربینی (٩٧٧م. ١٣٧٧ق)، المعنی: عبدالله بن قدامه (م. ٢٠٢ق)، دار الكتاب العربي، بیروت؛ **مفاتیح الشرائع**: محمد بن شاه مرتفعی فیض کاشانی (١٠٠٦ق)، تحقیق سید مهدی رجایی، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، بی‌تا؛ من لا يحضره الفقيه: محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (٣٨١-٣١١ق)، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ١٤٠٤ق؛ **مناسک الحج**: سید ابوالقاسم موسوی خوبی، قم، مهر، ١٤١١ق؛

گرارد شود.^٨ به نظر فقیهان شافعی^٩ و بیشتر فقهای امامی^{١٠} در نیابت حج از میت، در صورتی که میت به حج بلدی وصیت کرده باشد یا قرینه‌ای بر اراده آن باشد، باید حج بلدی به جا آورده شود. ولی هزینه مازاد بر حج میقاتی، از ثلث مال او تأمین می‌گردد؛ اما در صورت تعیین نشدن مکانی خاص در وصیت و فقدان قرینه کافی بر آن، نیابت از بلد میت لازم نیست. بلکه نایب گرفتن از میقات کفایت می‌کند؛ زیرا محل شروع حج، میقات است و مقدماتی چون سفر، از بلد تا میقات و صرف هزینه برای آن، خارج از اصل حج است.^{١١} حتی به نظر برخی فقهاء، هر نوع وصیت به حج، در صورت فقدان قرینه، به حج میقاتی انصراف دارد نه حج بلدی.^{١٢} در مقابل، فقهای مالکی^{١٣} و حنفی^{١٤} و برخی از

«بلد میت»، میان فقهاء، اختلاف نظر وجود دارد. اصطلاح حج بلدی در احادیث ریشه دارد و فقهاء، از تعبیر احادیث (مانند «البلد الذي مات فيه»^{١٥}) آن را برابر گرفته‌اند. در برابر این اصطلاح، حج میقاتی قرار دارد که مراد از آن، حجی است که از موافقیت (مکان‌های خاص احرام بستان) آغاز می‌شود.^{١٦}

مهم‌ترین مصادیق حج بلدی، در منابع

فقهی امامی و اهل سنت، عبارتند از:

۱. حجۃ الاسلام: به نظر فقهای امامی،^{١٧} شافعی^{١٨} و حنبلی^{١٩} اگر کسی که حج بر عهده او استقرار یافته، یعنی حج بر او واجب شده ولی آن را در زمان خود به جانیاورده است (← استقرار حج) بمیرد، باید به نیابت از او حج به جا آورده شود و هزینه آن، از اصل مال وی، تأمین گردد. حنفیان^{٢٠} و مالکیان^{٢١} بر آنند که تنها در صورتی که میت وصیت کرده باشد، باید از ثلث مالش به نیابت از او حج

١. الکافی، ج ٤، ص ٣٠٨.

٢. المقتuhe، ص ٣٩٤-٣٩٦؛ المراسيم العلوية، ص ١٠٨-١٠٦.

٣. المعتر، ج ٢، ص ٧٥٩؛ منتهی المطلب، ج ٢، ص ٦٥٦؛ الدروس الشریعی، ج ١، ص ٣٢٥.

٤. فتح العزیز، ج ٧، ص ٤٤؛ المجموع، ج ٧، ص ١٠٩، ١١٢، ١١٦.

٥. المغنی، ج ٣، ص ١٩٥؛ کشاف القناع، ج ٣، ص ٤٥٦.

٦. تحفة الفقهاء، ج ١، ص ٤٢٦؛ بدانع الصنائع، ج ٢، ص ٤٢١.

٧. مواہب الجلیل، ج ٣، ص ٤٤٨؛ حاشیة الدسوقي، ج ٢، ص ١٦-١٨.

٨. تحفة الفقهاء، ج ١، ص ٤٢٧؛ بدانع الصنائع، ج ٢، ص ٢٢٢.

٩. المجموع، ج ٧، ص ١١٠؛ مختصر المزنی، ص ٦٢.

١٠. المبسوط فی فقہ الإمامیہ، ج ١، ص ٣٠٣؛ کفایة الاحکام، ج ١، ص ٤٨٤؛ العروة الوفی، محشی، ج ٤، ص ٤٦٣-٤٦٤.

١١. مختلف الشیعه، ج ٤، ص ١٤؛ موسوعة الامام الخویی، ج ٢، ص ٢٦.

١٢. مستند الشیعه، ج ١١، ص ١٤١.

١٣. مواہب الجلیل، ج ٣، ص ٥٢٥؛ حاشیة الدسوقي، ج ٢، ص ١٩، ١٢.

١٤. المبسوط، سرخسی، ج ٢٧، ص ١٧٣؛ تحفة الفقهاء، ج ١، ص ٤٢٧؛ بدانع الصنائع، ج ٢، ص ٢٢٢.

نیست بلکه وجوبی عقلی است؛ زیرا انجام یافتن حج عقلاً منوط بدان است. از این رو اگر میت در زمان حیات خود با انگیزه‌ای جز حج به میقات می‌رسید، می‌توانست از همان جا حج را به جا آورد و حجش صحیح بود. حتی اگر وجود مقدمات حج در زمان حیات، وجوبی شرعی (نه عقلی) تلقی شود، از آن روزت که حج گزاردن بدون پیمودن مسیر بلد تا میقات ممکن نیست. ولی پس از مرگ، با نایب گرفتن از میقات، انجام یافتن حج ممکن است.^۷

مراد از «بلد میت» در حج بلدی، به نظر بیشتر فقهیان امامی، به استناد تبار لغوی و اطلاق عرفی، بلد میت بر وطن، همان وطن، یعنی محل زندگی اوست.^۸ ولی برخی دیگر، مراد از آن را سرزمینی می‌دانند که میت در آن جا مرده است.^۹ مستند آنان، افزون بر حدیث ذکریاب بن آدم^{۱۰} که در آن عبارت «الْبَلْدُ الَّذِي ماتَ فِيهِ آمده»، این استدلال است که آخرین مکانِ مکلف بودن میت به حج،

فقهای امامی^۱ بر آنند که باید از بلد میت نایب گرفته شود. به نظر برخی فقهیان امامی، در صورتی که اموال میت برای نیابت از بلد او کافی باشد، باید نیابت از بلد و در غیر این صورت، باید از نزدیک ترین محل ممکن به آن بلد باشد.^۲ فقهیان حبلی نیابت را از محلی واجب می‌دانند که حج در آن بر میت واجب شده است.^۳

مستند فقهای قائل به وجوب حج از بلد، افرون بر احادیث^۴ آن است که وجوب حج بر میت، از سرزمین محل استقرار او بوده است؛ در نتیجه، قضای آن، یعنی نیابت نیز باید از همان بلد باشد.^۵ به علاوه، اگر شخص زنده بود، ادائی حج از بلد بر او واجب بود و پس از فوت، تکلیف حج از بدنه او ساقط می‌شود، ولی در مال او باقی می‌ماند.^۶ پاسخ منتقدان این نظر، آن است که وجوب حج از بلد برای میت، در زمان حیات وی، وجوب شرعی

۱. النہایہ، ص ۲۰۳؛ ۲۸۳، ج ۱، ص ۴۸۴-۴۹۵؛
جواهر الكلام، ج ۱۷، ص ۳۲۱.

۲. الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۳۱۶؛ ۳۲۶؛ العروة الوثقی، محشی،
ج ۴، ص ۴۶۳.

۳. المغنی، ج ۳، ص ۱۹۶؛ کشاف القناع، ج ۲، ص ۴۵۶-۴۵۷.

۴. الكافي، ج ۴، ص ۳۰۸.

۵. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۴۲۷؛ بداع الصنائع، ج ۲، ص ۳۲۲؛ مجمع
الفائدة و البرهان، ج ۶، ص ۱۵۰-۱۵۱، «باورقی».

۶. السرافر، ج ۱، ص ۵۱۶.

۷. المعتربر، ج ۲، ص ۴۶۰؛ مجمع الفائدة و البرهان، ج ۶، ص ۸۲-۸۳.
۸. الحدائق الناضرة، ج ۱۴، ص ۱۹۰؛ ۱۹۲؛ جواهر الكلام، ج ۱۷،
ص ۳۲۶-۳۲۷؛ العروة الوثقی، محشی، ج ۴، ص ۴۶۵.
۹. مجمع الفائدة و البرهان، ج ۶، ص ۱۶۰؛ مدارک الاحکام، ج ۷،
ص ۴۶۶-۴۶۷؛ العروة الوثقی، محشی، ج ۴، ص ۴۶۶.
۱۰. الكافي، ج ۴، ص ۳۰۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۶۷.

شود تا زمانی که امکان نایب گرفتن از میقات فراهم شود.^۵

به نظر فقیهان امامی، در صورتی که میت به حج بلدی وصیت کرده باشد، ولی ثلث مال او برای تأمین هزینه مازاد بر حج میقاتی کافی نباشد و ورثه نیز به تأمین آن از اصل مال راضی نباشد، وصیت میت به حج بلدی باطل است و باید برای او حج میقاتی به جا آورده شود.^۶ البته در فقه امامی^۷ و حنفی^۸ این دیدگاه نیز مطرح شده که آغاز سفر حج نیابتی باید از سرزمینی باشد که با توجه به مال میت، ادای حج امکان‌پذیر است. اگر میت، در وصیت خود، سرزمینی جز وطن خود را به عنوان مبدأ سفر حج معین کرده باشد، برخی عمل به چنین وصیتی را لازم و برخی غیر ضروری دانسته‌اند.^۹

بر پایه دیدگاه صحّت حج میقاتی برای میت، لازم نیست حج نیابتی لزوماً از میقات یا

^۵. مدارک الاحکام، ج ٧، ص ٨٨؛ جواهر الكلام، ج ١٧، ص ٣٢٠.

العروة الوثقى، محسنی، ج ٤، ص ٤٦٤-٤٦٧.

ع مستند الشيعه، ج ١١، ص ١٥٣؛ العروة الوثقى، محسنی، ج ٤،

ص ٤٦٥؛ مستمسک العروة الوثقى، ج ١٠، ص ٢٦٥.

٧. تذكرة الفقهاء، ج ٧، ص ٩٨؛ مدارک الاحکام، ج ٧، ص ١٤٨؛

مدارک العروه، ج ٢٤، ص ٣١٨.

٨. بذائع الصنائع، ج ٢، ص ٢٢٢.

٩. مدارک الاحکام، ج ٧، ص ٨٨؛ العروة الوثقى، محسنی، ج ٤،

ص ٤٦٦؛ موسوعة الامام الخوئي، ج ٢٨، ص ١٠٤.

همان مکان فوت است.^۱ بعضی دیگر با حمل کردن حديث زکریا بن آدم بر صورت وصیت کردن میت به حج بلدی، به تخيیر میان محل فوت و وطن عرفی قائل اند.^۲ شماری از فقهاء امامی بر آنند که بلد میت، همان سرزمینی است که وی در آن مستطیع و حج بر او واجب شده است.^۳ برخی از فقیهان امامی و حنفی بر آنند که اگر میت، دو یا چند وطن داشته باشد، باید از نزدیکترین آن‌ها به میقات، حج نیابتی به جا آورد؛ مگر این که ورثه، به نیابت از وطن دورتر، راضی باشد یا اجرت نیابت از دو وطن یکسان باشد که در این صورت نیابت از هر کدام جایز است.^۴

به فتوای فقیهان امامی، در صورتی که نایب گرفتن از میقات ممکن نباشد و تنها از بلد میت امکان‌پذیر باشد، واجب است از بلد نایب گرفته شود و در این صورت همه هزینه آن، از اصل مال، تأمین می‌شود. البته به نظر برخی فقهاء باید حج نیابتی به تأخیر اندخته

^۱. العروة الوثقى، محسنی، ج ٤، ص ٤٦٥؛ مستمسک العروة الوثقى،

ج ١٠، ص ٢٦٥؛ موسوعة الامام الخوئي، ج ٢٦، ص ٤٦٤.

^۲. العروة الوثقى، محسنی، ج ٤، ص ٤٦٥.

٣. تذكرة الفقهاء، ج ٧، ص ٩٦؛ الحدائق الناصره، ج ١٤، ص ١٩١-١٩٢.

٤. البحر الرائق، ج ٣، ص ١١٨-١١٩؛ الحدائق الناصره، ج ١٤، ص ٤٦٦.

ص ١٩١؛ العروة الوثقى، محسنی، ج ٤، ص ٤٦٩.

یا میقاتی متفاوت باشد، دیدگاه مرجع تقلید میت ملاک عمل خواهد بود و اگر نظر مرجع تقلید وارشان درباره وجوب حج بلدی یا میقاتی مختلف باشد، هر یک باید به نظر مقلد خود عمل کند، ولی پرداخت هزینه سفر از بلد تا میقات، بر عهده کسی است که مقلد او به وجوب حج بلدی قائل است.^۴

۲. حج نذری: بنا بر فقه امامی و شافعی، حج نذری که میت آن را به جایاورده، از نظر بلدی یا میقاتی بودن، مانند حج واجب (حجۃ الاسلام) است؛ یعنی در صورت معین بودن میقاتی یا بلدی بودن نذر حج، بنا بر نظر مشهور، از میقات و بنا بر نظر غیر مشهور، از بلد ادامی شود.^۵ بیشتر فقیهان امامی، به استناد احادیث^۶ و ادلہ دیگر^۷، بر آنند که در صورت نذر حج یا عمره با پای پیاده، این حج باید بلدی باشد.^۸ فقیهان شافعی در صورت معین نشدن حج یا عمره در نذر (مانند آن که کسی نذر کند

^۴. العروة الوثقی، محسنی، ج^۳، ص^{۴۶۹}-۴۷۰؛ مستمسک العروة الوثقی، ج^{۱۰}، ص^{۲۷۵-۲۷۷}؛ کتاب الحج، شاهروdi، ج^۱، ص^{۳۰۵-۳۰۸}.

^۵. روضة الطالبين، ج^۵، ص^{۱۸۱-۱۸۲}؛ مسائل الافهام، ج^۲، ص^{۱۵۵}؛ العروة الوثقی، محسنی، ج^۳، ص^{۴۶۹}.
^۶. الكافي، ج^۷، ص^{۴۵۸}؛ تهذیب، ج^۵، ص^{۴۰۳}.
^۷. الروضة البهیة، ج^۱، ص^{۱۸۱}.
^۸. تحریر الاحکام، ج^۲، ص^{۱۰۷}؛ مسائل الافهام، ج^{۱۱}، ص^{۳۲۰}؛ الحدائق الناضر، ج^{۱۴}، ص^{۲۲۴-۲۲۵}.

نزدیک ترین مکان به میقات انجام باید، بلکه ادای حج، از هر سرزمینی، کافی است؛ نهایت آن که هزینه سفر از آن سرزمین تا میقات را نمی توان از اصل مال میت - یا از ثلث مال او در صورت فقدان وصیت - تأمین کرد.^۹ به نظر برخی فقیهان امامی، اگر اموال میت برای حج میقاتی کافی نباشد و تنها برای حج از میقات اضطراری، مانند مکه یا ادنی الحل کافی باشد، واجب است نیابت حج برای وی از همان میقات اضطراری صورت گیرد و در صورتی که تنها حج بلدی و حج از میقات اضطراری ممکن باشد، باید حج بلدی به جا آورده شود و هزینه آن از اصل مال تأمین گردد.^{۱۰}

برخی فقیهان امامی بر آنند که اگر به وصیت حج بلدی با دقت عمل نشود و مثلاً حج از میقات ادا شود، چنین حجی صحیح است. ولی برخی دیگر اجزای این حج را منوط به ناآگاهی نایب از وجوب حج بلدی دانسته‌اند.^{۱۱} در صورتی که دیدگاه مرجع تقلید، میت و وارث درباره وجوب حج بلدی

^۹. العروة الوثقی، محسنی، ج^۳، ص^{۴۶۷-۴۶۸}؛ مستمسک العروة الوثقی، ج^{۱۰}، ص^{۴۶۸}؛ کتاب الحج، شاهروdi، ج^۱، ص^{۳۰۴}.
^{۱۰}. جواهر الكلام، ج^{۱۷}، ص^{۳۲۰-۳۲۱}؛ العروة الوثقی، محسنی، ج^۳، ص^{۴۶۷}؛ مذهب الاحکام، ج^{۱۲}، ص^{۱۷۰}.
^{۱۱}. الدروس الشرعیه، ج^۱، ص^{۳۱۶}؛ العروة الوثقی، محسنی، ج^۳، ص^{۴۶۵}؛ مستمسک العروة الوثقی، ج^{۱۰}، ص^{۲۶۵}.

واجب، درباره وصیت به حج مستحبی نیز مطرح می‌شود. هرگاه میت به ادای بیش از یک بار حج وصیت کند، هزینه حج واجب او از اصل مال و هزینه حج‌های دیگر (حج‌های مستحبی) از ثلث مال او تأمین می‌شود.^{۱۱} اگر وصیت او صریح‌آبی حج مستحبی باشد، هزینه آن از ثلث اموالش برداشته می‌شود. چنانچه اموال مزبور (ثلث) برای حج بلدی کافی باشد، حج بلدی ادا می‌گردد و چنانچه کافی نباشد، از مکانی که آن اموال کفایت کد، برایش حج گزارده می‌شود.^{۱۲}

٤. حج به نیابت از شخص زنده عاجز: بنا بر نظر مشهور امامیان^{۱۳}، شافعیان^{۱۴}، حنفیان^{۱۵} و حنبلیان^{۱۶}، به استناد احادیث^{۱۷}، موضوع ادای حج بلدی یا میقاتی از جانب میت، فرد زنده معذور یا ناتوان از ادای حجی است که حج بر

که پیاده به سوی بیت الله الحرام برود) گفته‌اند که باید از بلد، احرام بسته شود و حج گزار پیاده راهی بیت الله الحرام شود. ولی در صورت تعیین حج یا عمره در نذر، آستان دو دیدگاه دارند: «احرام از بلد و احرام از میقات».^۱ برخی از مالکیان^۲ و حنفیان^۳ برآند که اگر نذر به صورت مطلق باشد و مکان آغاز حج پیاده معنی نشده باشد، ابتدای حرکت پیاده، از هنگام احرام خواهد بود. ولی برخی دیگر از آنان، آغاز حج پیاده را از بلد می‌دانند.^۴ بر پایه فقه مالکی^۵، حنفی^۶ و حنبلی^۷ در صورت تعیین شدن بلد به عنوان مکان آغاز حج پیاده، حج پیاده باید بلدی باشد.

٣. حج مستحبی مورد وصیت: به نظر فقیهان امامی^۸، شافعی^۹ و حنبلی^{۱۰}، موضوع وجوب حج بلدی یا میقاتی، افزون بر حج

١١. تذكرة الفقهاء، ج ٧، ص ٩٩.
١٢. المغني، ج ٣، ص ١٩٧؛ تحریر الاحکام، ج ٢، ص ١٠٤؛ تذكرة الفقهاء، ج ٧، ص ٩٩.
١٣. متنه المطلب، ج ٢، ص ٨٦٢؛ مستمسک العروة الوثقى، ج ١٠، ص ١٩١، ١٩٢؛ موسوعة الامام الخوئي، ج ٢٦، ص ١٩٧-٢٧٠.
١٤. المجموع، ج ٧، ص ١١٢-١١٥؛ مغني المحتاج، ج ١، ص ٤٦٩.
١٥. البناية، ج ٤، ص ١٤٣؛ البحر الرائق، ج ٣، ص ١٠٥-١١٠.
١٦. المغني، ج ٣، ص ١٧٧-١٧٨؛ کشف القناع، ج ٢، ص ٤٥٣.
١٧. صحيح البخاری، ج ٢، ص ٤١٨؛ الكافي، ج ٤، ص ٢٧٣؛ تهذیب، ج ٥، ص ١٤.

١. الحاوی الكبير، ج ١٥، ص ٤٧٣؛ تحفة المحتاج، ج ١٠، ص ٨٩.
٢. الكافي في فقه اهل المدينة، ج ١، ص ٤٥٧.
٣. العناية، ج ٣، ص ١٧٥.
٤. الاستذكار، ج ٥، ص ١٧٩؛ مواهب الجليل، ج ٤، ص ٥١٢؛ العناية، ج ٣، ص ١٧٥.
٥. الكافي في فقه اهل المدينة، ج ١، ص ٤٥٧.
٦. مجمع الأئمہ، ج ١، ص ٤٦٢.
٧. مسائل الامام احمد بن حنبل، ج ٥، ص ٢١٠-٩.
٨. الجامع للشرائع، ص ١٧٤؛ مدارك الاحکام، ج ٧، ص ١٤٩-١٥٠؛ مستمسک العروة الوثقى، ج ١، ص ٢٧٢.
٩. روضة الطالبين، ج ٥، ص ١٧٩-١٨٠.
١٠. المغني، ج ٣، ص ١٩٧.

الآثار و شرح ذلك كله بالإيجاز والاختصار؛ يوسف بن عبدالله بن عبدالبر (٣٦٨-٤٦٣ق.)، به کوشش سالم محمد عطا و على محمد معرض، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٢١ق؛ البحر الرائق (شرح كنز الدقائق)؛ زين الدين بن ابراهيم بن نجمي (م. ٧٠ق.)، به کوشش زكريا عميرات، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق؛ بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع؛ ابوبرک بن مسعود الكاشاني (م. ٨٥٧ق.)، پاکستان، المكتبة الحسينية، ١٤٠٩ق؛ البنية في شرح الهدایة لمرغینانی؛ محمود بن احمد البدر العینی (م. ٨٥٥ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٢٠ق؛ تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه؛ حسن بن يوسف حلی (٦٤٨-٧٢٦ق.)، به کوشش ابراهیم بهادری، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق، ١٤٢٠ق؛ تحفة الفقهاء؛ محمد بن احمد السمرقندی (م. ٩٣٥-٩٥٣ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٤ق؛ تذكرة الفقهاء؛ حسن بن يوسف حلی (٦٤٨-٧٢٦ق.)، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ١٤١٤-١٤٢٣ق؛ تعلیق میسوطه علی العروة الوثقی: محمد کاظم بیزدی، محمد ابی حق الفیاض، قم، محلاتی، بی‌تا؛ التلقین فی الفقه المالکی: عبدالوهاب الشعلبی (م. ٤٢٢ق.)، به کوشش ابی اویس محمد، دار الكتب العلمية، ١٤٢٥ق؛ تہذیب الاحکام فی شرح المقتنة للشيخ المفید: محمد بن حسن الطوسي (٣٨٥-٤٦٠ق.)، به کوشش سید حسن موسوی خرسان و علی آخوندی، تهران، دار الكتب الاسلامیه، ١٣٦٥ش؛ الجامع للشرائع؛ یحیی بن سعید حلی (٦٠٤-٩٦١ق.)، قم، مؤسسه سید الشهداء، ١٤٠٥ق؛ جواهر الكلام فی شرح شرائع الاسلام؛ محمد حسین نجفی

او استقرار یافته، ولی امید بر طرف شدن عذر یا ناتوانی را ندارد. چنین فردی باید دیگری را برای ادای مناسک حج اجیر کند. برخی فقهای امامی، ادای حج میقاتی از جانب او را کافی شمرده‌اند. ولی برخی دیگر، مقتضای احتیاط را ادای حج بلدی از جانب او دانسته‌اند.^١ حبلیان بر آنند که اگر فردی نیابت ادای حج بلدی را بر عهده گیرد، ولی حج را از میقات به جا آورد، حج او مجزی خواهد بود؛ چون حج از میقات افضل است و اگر حج میقاتی را به صورت حج بلدی به جا آورد نیز حج او مجزی است؛ زیرا حج بلدی، اعمالی فرون‌تر از اصل حج دارد که زیانی به آن نمی‌رساند.^٢ فقیهان مالکی^٣ و معدودی از فقیهان امامی^٤، با مناقشه در احادیث مورد استناد، اصولاً ادای حج از جانب شخص زنده ناتوان را واجب ندانسته‌اند. (نیز ← استقرار حج؛ میقات؛ نیابت؛ وصیت).

◀ منابع

الاستذکار (الجامع لمذاهب فقهاء الامصار و علماء الاقطار فيما تضمنه الموطأ من معانى الرأى و

١. العروة الوثقی، محسنی، ج٤، ص٤٦٧؛ موسوعة الامام الخویی، ج٢٦، ص٢٦٨؛ تعلیق میسوطه، ج٤، ص٢٣٥.
٢. المغنی، ج٣، ص١٨٦؛ الشرح الكبير، ج٣، ص١٨٦.
٣. الاستذکار، ج٤، ص١٦٥-١٦٦؛ التلقین فی الفقه المالکی، ج١، ص٧٩.
٤. السرایر، ج١، ص٥١٦؛ منتهی المطلب، ج٢، ص٥٥٥.

١٤٠٩: فتح العزيز؛ عبدالكريم بن محمد رافعى قروينى (م.٦٢٣ق.)، دار الفكر؛ **الكافى** فى فقه اهل المدينة: يوسف بن عبدالله بن عبدالبر (٣٦٨-٣٦٣ق.)، به كوشش محمد محمد موريتانى، رياض، مكتبه الرياض الحديثة، ١٤٠٠ق.؛ **الكافى**: محمد بن يعقوب كلينى (٣٢٩م.ق.)، به كوشش على أكبر غفارى، تهران، دار الكتب الإسلامية، ١٣٧٥ش؛ **كتاب الحج**: سيد محمود حسينى شاهروdi، مقرر، جناتى، قم، انصاريان، ١٤٠٢ق.؛ **كتاف القناع عن متن الاقناع**: منصور بن يونس البهوى (٥٢م.ق.)، به كوشش محمد حسن محمد اسماعيل شافعى، بىروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق.؛ **كتابة الأحكام (كتاب الفقه)**: محمدياfer سبزوارى (١٠٩٠م.ق.)، به كوشش الواقعى، قم، النشر الاسلامى، ١٤٢٣ق.؛ **لسان العرب**: محمد بن مكرم ابن منظور (٦٣١-٧١١ق.)، قم، انتشارات ادب الحوزه، ١٤٠٥ق.؛ **المبسط فى فقه الاماميه**: محمد بن حسن الطوسي (٣٨٥-٤٦٠ق.)، به كوشش محمدياfer بهبودى و سيد محمد تقى كشفى، تهران، مكتبة المترضوى، ١٣٥١ش؛ **مجمع الانهر فى شرح ملتقى الابحر**: عبدالرحمن بن محمد (٧٨٠م.ق.)، به كوشش المنصور، بىروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٩ق.؛ **مجمع الفائدة و البرهان فى شرح ارشاد الاذهان**: مقدس اربيلى احمد بن محمد (٩٣٩م.ق.)، به كوشش مجتبى عراقى و حسين يزدى و على پناه اشتهرادى (١٢٩٦-١٢٨٧ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤٠٣ق.؛ **المجموع شرح المذهب**: يحيى بن شرف النسوى (٦٣١-٧٦٦ق.)، بيروت، دار الفكر؛ **مختصر المزننى**: اسماعيل بن يحيى المزننى (٢٦٣م.ق.)، بيروت، دار المعرفه،

(م.١٢٦٦ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، بى تا؛ **حاشية الدسوقي**: محمد بن احمد الدسوقي (١٢٣٠م.ق.)، احياء الكتب العربية؛ **الحاوى الكبير** فى فقه مذهب الامام الشافعى: على بن محمد الماوردى (٤٥٠م.ق.)، به كوشش على محمد معوض و عادل احمد عبدالمحجود، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٤ق.؛ **الحدائق الناضرة فى احكام العترة الطاهرة**: يوسف بن احمد البحارنى (١٨٦م.ق.)، تحقيق محمد تقى ايروانى و على آخوندى، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٣٦٣ش؛ **الدروس الشرعية فى فقه الاماميه**: محمد بن مكى (٧٨٦م.ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٢ق.؛ **الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية**: زين الدين بن على، شهيد ثانى (١١٩٦م.ق.)، تحقيق سيد محمد كلانتر، قم، مكتبة داروى، ١٤١٠ق.؛ **روضة الطالبين و عمدة المتقيين**: يحيى بن شرف النسوى (٦٣١-٧٦٦م.ق.)، به كوشش عادل احمد عبدالمحجود و على محمد معوض، بيروت، دار الكتب العلمية، بى تا، السرائر **الحاوى لتحرير الفتاوى**: محمد بن احمد بن ادريس (٥٩٨م.ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١١ق.؛ **الشرح الكبير**: ابوالبركات احمد بن محمد الدردير (١٢٠١م.ق.)، مصر، دار احياء الكتب العربية؛ **صحيح البخارى**: محمد بن اسماعيل البخارى (٢٥٦م.ق.)، به كوشش عبدالعزيز بن عبدالله بن باز، بيروت، دار الفكر، ١٤٠١ق.؛ **العروة الوثقى**: سيد محمد كاظم طباطبائى يزدى (١٢٤٧-١٣٣٧ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤٢٠ق.؛ **العناية شرح المدائى**: محمد بن محمد البسايرتى (٧٨٦م.ق.)، دار الفكر؛ **العين**: خليل بن احمد الفراهيدى (١٧٥م.ق.)، به كوشش المخزومى و السامرائي، دار الهجر،

بیروت، دار الكتب العلمیه؛ مفردات الفاظ القرآن، الحسین بن محمد الراغب الاصفهانی (م.٤٢٥ق.)، به کوشش صفوان عدنان دادی، دمشق، دار القلم، ١٤١٢ق؛ المقنعه: شیخ مفید محمد بن محمد بن النعمان (٤١٣-٣٣٦ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٠ق؛ منتهی المطلب فی تحقیق المذهب: حسن بن یوسف حلی (٦٤٨ق.)، چاپ سنگی؛ مهذب الاحکام فی بیان الحال و الحرام: سید عبدالاعلی السبزواری (م.١٤١٤ق.)، قم، مؤسسه المنار، ١٤١٣ق؛ موهاب الجلیل: محمد بن محمد الخطاب الرعینی (م.٩٥٤ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الكتب العلمیه، ١٤١٦ق؛ موسوعة الامام الخویی: سید ابوالقاسم موسوی خویی (١٣١٧-١٤١٣ق.)، قم، انتشارات احیاء آثار الخویی، ١٤١٨ق؛ النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی: محمد بن حسن الطویسی (٣٨٥-٤٤٠ق.)، بیروت، دار الكتاب العربي، ١٤٠٠ق؛ وسائل الشیعه (تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه): محمد بن الحسن الحر العاملی (١٣٣٢-١١٠٤ق.)، به کوشش عبدالرحیم ریانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربي، ١٤٠٣ق.

سید حسین حسینی



حج پیاده: پیمودن مسیر حج با پای پیاده

حج پیاده، طی کردن راه با پای پیاده به قصد انجام دادن مناسک حج یا عمره است. همچنین در برخی اعمال و عبادات مربوط به حج و حرمین پا برهنه بودن توصیه شده است. در قرآن کریم در آیه ٢٧ سوره حج

بی تا؛ مختلف الشیعه فی احکام الشریعه: حسن بن یوسف حلی (٧٢٦-٦٤٨ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٢ق؛ مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام: سید محمد بن علی موسوی عاملی (٩٥٦-١٠٠٠ق.)، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ١٤١٠ق؛ مدارک العروة الوثقی: علی پناه اشتهرادی (١٢٩٦-١٣٨٧ش.)، تهران، اسوه، ١٤١٧ق؛ المراسيم العلویة فی الاحکام النبویه: حمزہ بن عبدالعزیز الدبیلی (م.٤٤٨ق.)، به کوشش محسن حسینی امینی، قم، المجمع العالمی لاهل البيت، ١٤١٤ق؛ مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام: زین الدین بن علی، شهید ثانی (٩٦٦-٩١١ق.)، قم، انتشارات معارف اسلامی، ١٤١٦ق؛ مسائل الامام احمد بن حنبل و اسحاق بن راهویه: اسحاق المرزوی (م.٢٥١ق.)، مدینه، عمادة البحث العلمی، ١٤٢٥ق؛ مستنسک العروة الوثقی: سید محسن حکیم (م.١٣٩٠ق.)، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ١٤٠٤ق؛ مستند الشیعه فی احکام الشریعه: احمد بن محمد مهدی النراقی (١١٨٥-١٢٤٥ق.)، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ١٤١٥ق؛ مستند العروة الوثقی: تقریر ابحاث السید الخویی (١٤١٣-١٣١٧ق.)، سید محمد تقی خویی و مرتضی بروجردی، قم؛ انتشارات مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی / دارالعلم؛ المعتبر فی شرح المختصر: جعفر بن حسن محقق حلی (٢٦٠-٧٦٢ق.)، قم، انتشارات سید الشهدا، ١٣٦٤ش؛ مغنى المحتاج الی معرفة معانی الفاظ المنهاج: محمد بن احمد الشریینی (م.٩٧٧ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربي، ١٣٧٧ق؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م.٦٢٠ق.)،